

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.329807.3116>

**Explain the problems of the executive branch in the light of prismatic theory and provide a model for the Nile to good governance**

**Abstract:**

The purpose of this study is to explain the problems of the executive branch in the light of prismatic theory and to provide a model for good governance. Methods: The present study is developmental-applied in terms of purpose and data were collected through semi-structured in-depth interviews with 19 experts of Iranian government organizations and analyzed by content analysis method. Finally, all dimensions and components obtained by fuzzy Delphi technique were analyzed and confirmed.

Findings: In the present study, the fuzzy Delphi method was performed in two rounds. The value of fuzzy to measure the degree of consensus of experts in the second round for the dimensions and components of the problems of the executive branch in the light of prism and good governance theory above 0.7 shows that there is coordination between views. Thus, the dimensions of good governance include accountability, participation, transparency, fairness, legitimacy, power, risk management and flexibility, government capacity, government agency interactions, and effectiveness.

**Keywords:** problems of executive power, prism theory, good governance

تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب

افشین آریایی<sup>1</sup>

محمد ضیاءالدینی<sup>2</sup>

ملیکه بهشتی فر<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

### چکیده

هدف از ارائه این تحقیق، تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب است.

**روش تحقیق:** تحقیق حاضر از جنبه هدف، توسعه‌ای-کاربردی بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با 19 نفر از خبرگان سازمان‌های دولتی ایران جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا، تحلیل شدند و در نهایت همه ابعاد و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده با تکنیک دلفی فازی تحلیل و تأیید شدند.

**یافته‌های پژوهش:** در پژوهش حاضر، روش دلفی فازی در مجموع در دو دور به انجام رسید. مقدار فازی زدایی برای سنجش میزان اتفاق نظر خبرگان در دور دوم برای ابعاد و مؤلفه‌های معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و حکمرانی خوب بالای 0.7 بدست آمده است که نشان می‌دهد هماهنگی بین دیدگاه‌ها وجود دارد. بنابراین ابعاد حکمرانی خوب شامل تحقق‌پذیری پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، انصاف یا عدالت، مشروعیت، قدرت، مدیریت ریسک و انعطاف‌پذیری، ظرفیت دولت، تعاملات موسسات دولتی و اثر بخشی است.

**کلمات کلیدی:** معضلات قوه مجریه، نظریه منشوری، حکمرانی خوب

<sup>1</sup>دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

<sup>2</sup>استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول).

<sup>3</sup>استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه یافته و دیگر کشورها وجود دارد. یکی از عوامل موثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه 1990 به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است که برخی محققین نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند (Acemoglu et al, 2013).

از طرفی با تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (Mohammadzadeh, Parviz et al, 2019). مشکلات اقتصادی به ویژه در بخش تولید و درآمد از جمله مسائلی است که انسان همواره با آن روبروست و ثمره هر نظام اقتصادی، تولید و به تبع آن مصارف کالاها و خدماتی است که به عنوان متداول ترین شاخص ارزیابی اقتصادی یک جامعه به شمار می‌رود (Wikner & Backstrand, 2018). از آنجایی که فقر و غنای هر کشوری به توان تولید سرانه نظام‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف آن وابسته است. لذا تولید بیشتر، امکان سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی اقتصادی را در آینده فراهم می‌نماید و در نهایت زندگی مادی، اجتماعی و فرهنگی بهتر را برای نسل آینده فراهم می‌سازد (Perez et al, 2018). تئوری حکمرانی خوب با روش‌ها و ساختارهای حکمرانی در کشورهای در حال توسعه مرتبط است و از طریق دسته‌ای از اصول و سیاست‌هایی که ابتدا توسط بانک جهانی در خصوص کشورهای در حال توسعه معرفی شدند، گسترش پیدا می‌کند. این گونه مشخص شده است که شکل مدرن حکومت علاوه بر کارایی، درباره مسئولیت‌پذیری حکومت و شهروندان است (Ekundayo, 2017). حکمرانی خوب، شاخصی برای ارزیابی مدیریت اقتصادی قدرت‌های حاکم است. توسعه مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری، افزایش کامل عملکرد عمومی در برابر شهروندان، حمایت از انواع استاندارد آزادی، فراهم آوردن زمینه‌های ارتقاء شایستگی، تنوع رسانه‌های جمعی، وجود احزاب سیاسی مستقل، حمایت از حقوق مالکیت و اجرای قوانین قراردادی و حاکمیت معنی دار قانون، از شاخص‌هایی هستند که عملکرد حکمرانی خوب را نشان می‌دهند (Dadgar & Nazari, 2012). در این رهگذر عواملی نظیر فقدان قوانین تسهیل‌کننده، جامع و کافی جهت مشارکت فراگیر مردم؛ مشخص نبودن جایگاه تشکل‌های مردمی و نقش قانونی آن‌ها، بی‌توجهی به اجرای قوانین وضع شده (مانند اجرای قانون کاهش حجم دولت)، گسترگی نظام بروکراتیک غیرمشارکت‌جو، سلطه وسیع دولت بر نظام تولید و توزیع ثروت، تمرکز بالا در تصمیم‌گیری‌ها، عدم تفویض اختیارات به دیگر بخش‌های غیردولتی، اجرای نظام دستوری و شبه مشورتی در تصمیم‌گیری‌ها، ارتباطات غیرمنعطف و بسته، برنامه‌ریزی متمرکز، توزیع نابرابر اختیار و قدرت و رسمیت بالای دولت، دیوان سالاری سنتی و ناکارآمدی در امکان تحقق و پاسخگویی، عدم توازن قدرت و اختیارات دولت، پاسخگویی سلسله‌مراتبی و پاسخگو بودن به مرکز قدرت، عدم شفافیت در رفتار و عملکرد دولت و رفتار یکسویه دولت و ملت، تخصیص و توزیع نامناسب منابع ثروت و شفاف نبودن مقررات اقتصادی و تجاری (Gholipour, 2005)، از جمله دلایلی‌اند که احساس نیاز به حکمرانی خوب و شایسته را ایجاد می‌کند، این است که حکمرانی خوب در راستای تبیین مشکلات قوه مجریه و در قالب نظریه منشوری می‌تواند، شکل بگیرد. فرد و ریگز<sup>1</sup> (1984)، کشورها را در یک پیوستار به جوامع متراکم منشوری تفکیک شده تقسیم کرد. به گفته وی جوامع متراکم یک ساختار همه‌یا کار ویژه‌ای مختلف را انجام می‌دهد. در جوامع منشوری، ترکیبی از این دو جامعه وجود دارد. به زبان دیگر فرد ریگز مدعی است جامعه‌ای که بسیار تفکیک شده و به خوبی یکپارچه شده است 'جامعه تفکیک شده نامیده می‌شود اما جامعه‌ای که تفکیک شده ولی به خوبی یک پارچه نشده است جامعه منشوری نامیده می‌شود اما اگر جامعه‌ای تفکیک شده است و در آن هر کسی می‌تواند کاری را انجام دهد جامعه متراکم نامیده می‌شود. جوامعی که در آن سنت و تجدد قدیم و جدید، متخصص و کلی‌دان با هم همزیستی دارند (Danaeifard et al, 2007). قوه مجریه قوه‌ای است که اجرای قانون را «کنترل می‌کند». لذا مقامات سیاسی قوه مجریه اجرای قانون را مدیریت و سرپرستی می‌کنند و آنچه اجرای قانون نامیده می‌شود مربوط به کارکنان اداری قوه مجریه است، نه مقامات سیاسی آن (Prakash et al, 2000). از این رو مشخص است که «اجرای صرف قانون» و «کنترل اجرای قوانین» و «مدیریت آنها» اگرچه مرزهای مشترکی دارند، با هم متمایزند و اجرای قوانین بر عهده مقامات اداری قوه مجریه و مدیریت و کنترل اجرای قوانین بر عهده مقامات سیاسی این قوه است. پیروان این رویکرد معتقدند امروزه مفهوم دولت که برای دولت يك نقش انفعالی قائل بود و وظیفه او را تنها حفظ نظم عمومی در جامعه و انجام خدمات محدودی می‌دانست، متروک شده است. اینان معتقدند در طول زمان

1- Fred & Riggs

وظایف و مسئولیت های قوه مجریه افزایش یافته و محدوده ترسیم شده توسط طراحان نظریه تفکیک قوا را نیز در هم شکسته و امروزه این قوه در اکثر کشورها به اموری می‌پردازد که از حیثه صلاحیت اجرایی او فراتر رفته و با امور قانون گذاری و قضایی مرتبط می‌شود، نقش قوه مجریه در اعمال سایر قوای حکومتی نیز تا آن حد است که برخی از استادان گفته اند قوانین مصوب قوه مقننه بدون همکاری اداره [قوه مجریه] اجرا شدنی نیست و مهمتر آن که بسیاری از قانون‌ها به یاری اداره تنظیم و تدوین می‌شود. حتی برخلاف گمان عامه، اغلب قوانین اثر واقعی و نتیجه عملی قوه مقننه نیست، چرا که قوانین در حقیقت لایحه‌هایی هستند که قوه مجریه تصویب آن‌ها را به قوه مقننه پیشنهاد می‌کند. زیرا اصولاً در خصوص ارائه پیشنهادها، تقنینی و شروع قانون گذاری بیش تر از قوه مجریه توقع چنین امری می‌رود. در خصوص قوانین موضوعه نیز قوه مقننه معمولاً به تعیین اصول کلی اکتفا می‌کند و تعیین جزئیات قوانین به عهده مقامات اجرایی گذاشته شده است (Tabatabai, 2007). مجریان نظام اداری هم باید مورد توجه واقع شوند، زیرا بسیار اتفاق افتاده که بهترین برنامه حکمرانی خوب از سوی مجریان ناصالح و نظام اداری ناسالم دچار تباهی و شکست شده و مغایر با هدف‌های آن برنامه به اجرا درآمده است، به طوری که گاهی آنچه روی داده است، در تضاد با خواست برنامه ریزان و قانون گذاران است. به هر حال به خاطر ناهمگونی نظام اداری حاکم بر جامعه با نظام سیاسی و آرمان‌های آن اداره امروز به صورت سد بزرگی در راه رسیدن به هدف‌های پیش بینی شده در قانون اساسی درآمده است. ریاست کشور همواره در عالی‌ترین سطح قوه مجریه قرار دارد و شاخص جامعه سیاسی و نمای موجودیت یک کشور است. یکی از مهم ترین سازمان‌هایی که معضلات آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است، سازمان قوه مجریه می‌باشند. رسالت و کارکرد اساسی قوه مجریه، اجرای تصمیمات می‌باشد. آسیب‌شناسی سازمانی قوه مجریه، زمینه مناسب را برای شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را به منظور تصمیم‌گیری توسط مسئولان قوه مجریه فراهم می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا در جهت توسعه سازمان خود گام بردارند. معضلات سازمانی، مشکلاتی هستند که اگر به موقع درمان نشوند، ممکن است سازمان را از رسیدن به حکمرانی خوب بازدارند. چند مسئله که در ادامه به آن می‌پردازیم، مطالعه حاضر را ضروری می‌سازد. مسئله اول اینکه از نظر سوابق پژوهشی، پژوهش‌های چندی تاکنون در ایران به طور مستقیم به تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب در سازمان قوه مجریه توجه نشان داده‌اند. مسئله دوم در خصوص بسترهای انجام پژوهش حاضر، فراتر از رابطه مستقیم و غیرمستقیم معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری با حکمرانی خوب، این واقعیت بسیار با اهمیت باز می‌گردد که معضلات قوه مجریه در جامعه ایرانی خود از بسیاری جهات یک تهدید تلقی می‌شود که بدون توجه به معضلات قوه مجریه، در عمل نمی‌توان از نقش حقیقی آن در بروز رفتارهای مختلف درک و بینش عمیقی کسب نمود. بنابراین در این تحقیق به تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب در سازمان قوه مجریه می‌پردازیم. بنابراین هدف تحقیق حاضر تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب در سازمان قوه مجریه است.

## 2. مرور ادبیات نظری

واژه حاکمیت به معنای قدرت عالی، اولین بار توسط ژان بدن فرانسوی وارد ادبیات علوم سیاسی شد. وی در کتاب معروف شش کتاب جمهوری می‌گوید: «حاکمیت قدرت مطلق و لایزال دولت‌ها است که هیچ قدرت و مقامی جز اراده خداوند نمی‌تواند آن را محدود کند و صفت خاص دولت است که سایر گروه‌های اجتماعی فاقد آن هستند». این مفهوم در قالب حقوقی به قدرتی مرکزی که اقتدار خود را در تمامی ابعاد در داخل سرزمینی مشخص اعمال می‌کند، اشاره دارد. مفهوم حاکمیت نیز در طول تاریخ دستخوش تغییرات و تحولات متعدد شده و پس از طرح اولیه تئوری حاکمیت مطلق، مفاهیم حاکمیت مردم و حاکمیت ملت نیز مطرح شدند (ghazi, 2004). حاکمیت را موهبتی الهی برای آنان می‌دانستند. اما این معنا با تحول در نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان غرب تغییر کرده و حاکمیت را قدرتی تفویض شده از سوی ملت به سلطان یا دولت تفسیر می‌کنند. در ادبیات حقوقی داخلی بسیاری از اندیشمندان برای بیان مفهوم حاکمیت از اصطلاح «دولت به مفهوم عام» آن استفاده کرده‌اند. در تعریف دولت به مفهوم عام نیز بیان شده «دولت قدرت یا دستگاهی سیاسی است که کشور را اداره می‌کند» و این معنا را اعم از قوای سه گانه معرفی کرده‌اند. لازم به ذکر است بسیاری از استادان در ادبیات حقوق داخلی از اصطلاح «دولت به معنای خاص» در تعریف قوه مجریه یاد کرده‌اند. این تشابه میان دولت به مفهوم عام (حاکمیت) و خاص آن (قوه مجریه) در حقوق داخلی تا بدان‌جا است که برخی از استادان معتقدند دولت و قوه مجریه دو بیان از واقعیتی یگانه اند (Abbasi Lahiji, 2009).

حکمرانی ناظر به حکومت نیست، ناظر به جامعه است که حکومت هم یکی از بازیگران آن است. حکومت یک سازوکار داخلی است و به تناسب هر کشوری با توجه به نظام سیاسی، قانون اساسی، نظام سرزمینی و غیره، شیوه‌ای از حکومت داری منحصر خویش را دارا است. حکومت، نظام سیاسی یا بخشی از دولت یا کشور است که سازماندهی سیاسی فضای ملی در قالب ایجاد و پاسداشت امنیت، دآوری



بیشواز<sup>1</sup> و همکاران (2018)، در مقاله‌ای به بررسی چارچوب حکمرانی خوب در مدیریت شهری پرداختند. به منظور تدوین چارچوب یکنواخت حاکمیت خوب، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بین 22 حاکمیت موجود در سراسر جهان انجام داده‌ایم و 13 معیار اصلی را به همراه 74 زیر ملاک قرار داده‌ایم. ما با استفاده از شاخص‌های مختلف، روش اندازه‌گیری این مؤلفه‌های حاکمیت را بررسی کردیم و نظر متخصص در مورد شاخص‌ها در نظر گرفتیم. سرانجام، فرآیند کمی‌سازی نیز با سه شاخص نماینده خاص نشان داده شده است. ادبیات نظری برای رفع این خلأ در تحقیق حاضر با رویکرد دلفی- فازی و به کارگیری روش کدگذاری ضمن تحلیل و سنجش و به ارزیابی تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب پرداخته شد. با این حال در قیاس با محدود بودن منابعی که به این موضوع به شکلی نظام‌مند و چندبعدی نگریسته اند، حجم وسیع از منابع موجود به تشریح تنها بخشی از حوزه های حکمرانی مطلوب پرداخته‌اند، که حکایت از متفاوت بودن شرایط، راهبردها و الگوی حکمرانی خوب براساس رویکرد دلفی- فازی در این پژوهش دارد. بعلاوه در راستای ادبیات نظری سوالات این پژوهش به صورت مطرح گردیده است:

مدل تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب چگونه است؟

#### 4. سوالات فرعی

- 1- ابعاد و مولفه‌های معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری کدام است؟
- 2- ابعاد و مولفه‌های حکمرانی خوب چیست؟
- 3- مهمترین راهکارهای مدیران در رفع معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری در قوه مجریه کدامند؟

#### 5. روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی به حساب می‌آید. پس از طراحی مدل مفهومی تحقیق بر اساس مبانی نظری موجود، به منظور بومی‌سازی و تعدیل شاخص‌های مدل از رویکرد کیفی و اکتشافی استفاده شد تا با استفاده از نظر خبرگان نسبت به نهایی کردن مدل مفهومی اقدام گردد. تحقیق حاضر از جنبه ماهیت توصیفی-اکتشافی است و از جنبه هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای-کاربردی و از جنبه روش گردآوری داده توصیفی-پیمایشی است. روش تحلیل آن، دلفی فازی است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از نمونه‌گیری هدفمند که از روش‌های نمونه‌برداری غیر احتمالی استفاده می‌شود. مفهوم نمونه‌گیری هدفمند که در پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود به این معناست که پژوهشگر، افراد مورد مطالعه را از این رو برای مطالعه انتخاب می‌کند که بتواند در فهم مسئله پژوهش و پدیده محوری مطالعه مؤثر باشند. بر این اساس، داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق را خبرگان بخش دانشگاهی رشته‌های مدیریت و مدیران، معاونان و کارشناسان خبره قوه مجریه در ایران تشکیل می‌دهند. مجموع با 19 نفر مصاحبه شده است. جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری مقوله‌ها تا جایی که امکان دستیابی به داده‌های جدید دیگری فراهم نبود، ادامه یافت. جدول 1 به اختصار نوع شناسی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:

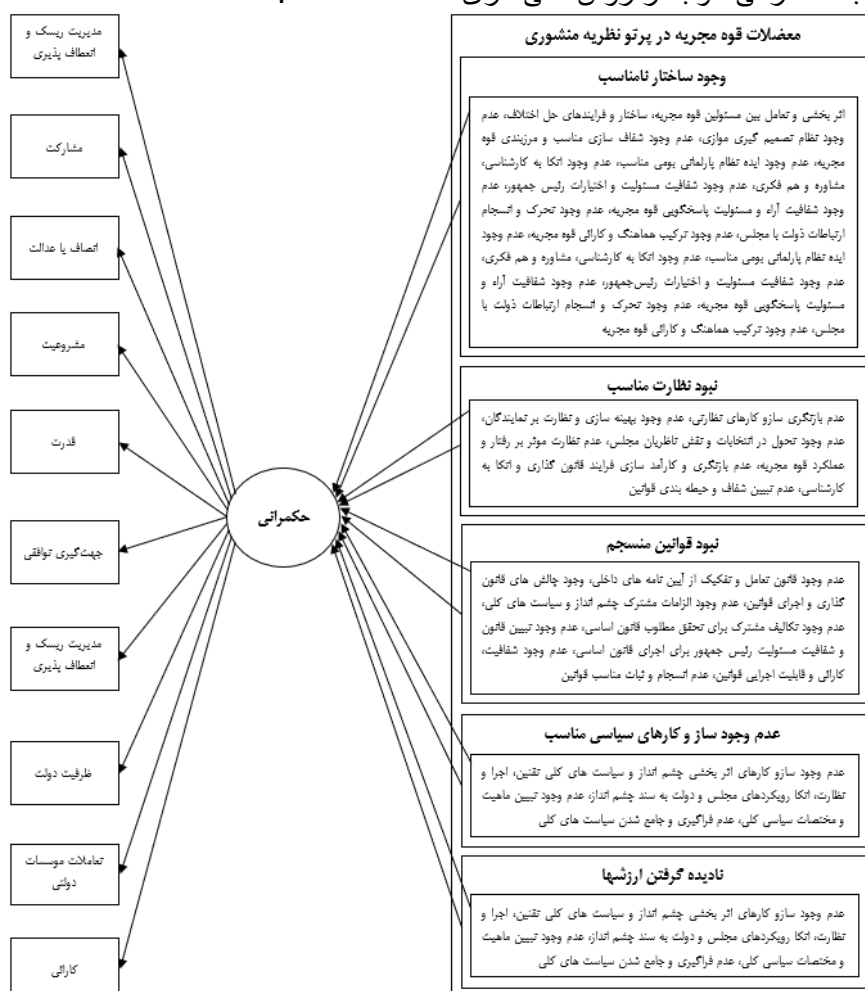
جدول 1. نوع شناسی پژوهش

بعد	پژوهش حاضر	توضیحات
مبانی فلسفی	پارادایم تفسیری	برای کشف تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب بکار می‌رود.
جهت‌گیری توسعه‌ای	کاربردی- توسعه‌ای	کاربردی، زیرا به تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب ارائه پیشنهادت کاربردی می‌پردازد. توسعه‌ای، زیرا با ارائه مدلی با متغیرهای جدید دانش‌افزایی می‌کند.
رویکرد	استقرایی	ابتدا داده‌ها گردآوری می‌شود و سپس فرضیه‌های مرتبط ارائه می‌شوند. این رویکرد به دنبال نظریه‌سازی است.

گر دآوری داده‌ها	کیفی	درک پدیده در بستر خود و درک معنایی که در ذهن آزمودنی‌ها وجود دارد، مدنظر است و نه کمیت داده‌ها.
هدف	اکتشافی	هدف، طراحی و تدوین مدلی جامع است که جنبه‌های بیشتری از پدیده معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب را نشان دهد.
راهبرد	دلفی- فازی	با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش.
ابزار و روش	مصاحبه- پرسشنامه	برای اجرای روش تحلیل معمولاً از مصاحبه‌های چهره به چهره، نیمه ساختار یافته و غیرساختار یافته، مردم شناسانه و عمقی برای جمع‌آوری داده استفاده شده است.

## 6. یافته‌های کیفی پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه با متخصصان بود. افراد مشارکت کننده از مدیران، معاونان و کارشناسان خبره قوه مجریه در ایران بوده‌اند. به این صورت که با استفاده از پروتکل مصاحبه‌هایی انجام شده و از میان مصاحبه‌ها، اطلاعات لازم برای تحقیق استخراج شد. با این حال، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی جهت شناسایی ابعاد و مولفه‌های معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری در راستای نیل به حکمرانی خوب از روش دلفی فازی استفاده شده است.



شکل 1. مدل تحقیق

جدول 2. نتایج تحلیل داده‌های دور اول دلفی فازی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجوز راه‌یابی به دور بعدی دلفی فازی
1	ابعاد حکمرانی خوب	تحقق‌پذیری پاسخگویی	19	4.4211	دارد
2		مشارکت	19	4.3684	دارد
3		شفافیت	19	4.2105	دارد
5		مشروعیت	19	4.3158	دارد
4		انصاف یا عدالت	19	4.2622	دارد
6		قدرت	19	4.1055	دارد
7		مدیریت ریسک و انعطاف‌پذیری	19	4.2632	دارد
8		ظرفیت دولت	19	4.3158	دارد
9		تعاملات موسسات دولتی	19	4.2632	دارد
10		اثر بخشی	19	4.3158	دارد

جدول 3. فازی زدایی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	فازی زدایی
1	ابعاد حکمرانی خوب	تحقق‌پذیری پاسخگویی	0.684
2		مشارکت	0.627
3		شفافیت	0.601

جدول 4. نتایج دور اول دلفی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجوز راه‌یابی به دور بعدی دلفی فازی
4	ابعاد حکمرانی خوب	انصاف یا عدالت	19	0.592	دارد
5		مشروعیت	19	0.645	دارد
6		قدرت	19	0.671	دارد
1		وجود ساختار نامناسب	19	4.472	دارد
7		مدیریت ریسک و انعطاف‌پذیری	19	0.566	دارد
2		نظارت نامناسب	19	4.368	دارد
3		نبود قوانین مناسب	19	4.315	دارد
8		تعاملات موسسات دولتی	19	0.601	دارد
10		اثر بخشی	19	0.658	دارد
4		وجود ساز و کارهای سیاسی	19	4.263	دارد
4	وجود ساز و کارهای سیاسی نامناسب	19	4.263	دارد	

جدول 5. فازی زدایی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	فازی زدایی
1	ابعاد معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری	وجود ساختار نامناسب	0.684
2		نظارت نامناسب	0.694



3	نبود قوانین منسجم	0.640
4	وجود سازو کارهای سیاسی نامناسب	0.614
5	نادیده گرفتن ارزش‌ها	0.658

جدول 6. نتایج تحلیل داده‌های دور اول دلفی فازی

ردیف	گروه	زیر گروه	مولفه‌های پیشنهادی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجوز راه‌یابی به دور بعدی دلفی فازی
1	موانع‌های معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه‌های مشهوری و مولفه‌های ساختار نامناسب	وجود ساختار نامناسب	اثربخشی و تعامل بین مسئولین قوه مجریه	19	4.4211	دارد
2			ساختار و فرایندهای حل اختلاف	19	4.3684	دارد
3			عدم وجود نظام تصمیم‌گیری موازی	19	4.2105	دارد
4			وجود شفاف‌سازی نامناسب و مرزبندی قوه مجریه	19	4.2632	دارد
5			عدم وجود ایده نظام پارلمانی بومی مناسب	19	4.3158	دارد
6			اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	19	4.1053	دارد
7			مشاوره و هم‌فکری	19	4.2632	دارد
8			شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات رئیس‌جمهور	19	4.3158	دارد

9	شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه	19	4.2632	دارد	
10	ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس	19	4.3158	دارد	
11	وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارا در قوه مجریه	19	4.4211	دارد	
12	ضعف در بازنگری سازوکارهای نظارتی	19	4.3684	دارد	
13	ضعف وجود بهینه سازی و نظارت بر نمایندگان	19	4.2105	دارد	
14	نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم نبودن نقش ناظران مجلس	19	4.2632	دارد	
15	ضعف در نظارت موثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه	19	4.3158	دارد	نظارت نامناسب
16	ضعف در بازنگری و کارآمد سازی فرایند قانون گذاری و اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	19	4.1053	دارد	
17	ضعف در تبیین شفاف و حیطة بندی قوانین	19	4.2632	دارد	
18	ضعف در تعامل و تفکیک از آیین نامه های داخلی	19	4.3158	دارد	
19	نامشخص بودن تکالیف و دستورالعمل های قانون گذاری به قوا و دستگاه های اجرایی	19	4.2632	دارد	مستقیم و غیر مستقیم
20	شفاف نبودن مسئولیت مشترک جمهور، انزانی و اجرائی دستگاه های کلیدی	19	4.3684	دارد	
23	شفاف نبودن، ناکارا بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین	19	4.2105	دارد	
24	نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین	19	4.2632	دارد	
25	نامناسب بودن سازوکارهای اثر بخشی چشم انداز و سیاست های	19	4.3158	دارد	وجود سازو کارهای

		کلی تقنینی در اجرا و نظارت				
فازی	دارد	4.3158	19	ضعف نمایندگان و دولتی انکار به یکدیگر و همکاران مردان دولت خلاق و متشخص تجمل پذیری	36	جدول 7.7 زدایی
	دارد	4.2632	19	ضعف تبیین ماهیت و مختصات در سیاست های کلی	27	
فازی	دارد	4.3158	19	جامع و فراگیر نبودن سیاست های کلی	28	دول 7.7 زدایی
	فازی زدایی دارد	4.2632	19	گروه زیرگروه در پابندی به مولفه های پیشنهادی رفتارهای ارزشی در	29	ردیف
	0.684			نمایندگان و اثر بخشی و تعامل بین مسئولین قوه مجریه	1	تالیله گروه ارزش ها
	0.649			وجود فرهنگ گفتار و ساختار و فرایندهای حلقه های	30	
	0.640			عدم وجود نظام تصمیم گیری موازی تاکید نکردن بر التزام	3	
	دارد 0.614	4.3158	19	عملی دولت مولفه های سازای نامناسب و تمرکز بندی قوه نمایندگان به قانون مجریه	31 4	
	0.658			عدم وجود ایده نظام پارلمانی بومی مناسب	5	
	0.658			اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	6	وجود ساختار نامناسب
	0.596			مشاوره و هم فکری	7	
	0.605			شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات رئیس جمهور	8	موانع های مصلحت قوه مجریه
	0.588			شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه	9	در پرتو نظریه مشورتی
	0.658			ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس	10	
	0.684			وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارا در قوه مجریه	11	
	0.649			ضعف در بازنگری سازوکارهای نظارتی	12	
	0.640			ضعف وجود بهینه سازی و نظارت بر نمایندگان	13	نظارت نامناسب
	0.561			نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم نبودن نقش ناظران مجلس	14	
	0.658			ضعف در نظارت موثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه	15	

0.632	ضعف در بازننگری و کارآمدسازی فرایند قانون‌گذاری و اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	16	
0.649	ضعف در تبیین شفاف و حیطه‌بندی قوانین	17	
0.640	ضعف در تعامل و تفکیک از آیین‌نامه‌های داخلی	18	تبیین قوه‌التکلیف
0.614	وجود چالش‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین	19	
0.658	تغییر نکردن الزامات مشترک چشم‌انداز و سیاست‌های کلی	20	
0.684	نامشخص بودن تکالیف مشترک برای تحقق مطلوب قانون اساسی	21	
0.596	شفاف نبودن مسئولیت رئیس‌جمهور برای اجرای قانون اساسی	22	
0.640	شفاف نبودن، ناکارا بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین	23	
0.614	نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین	24	
0.658	نامناسب بودن سازوکارهای اثر بخشی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی تقنینی در اجرا و نظارت	25	تبیین سیاست‌های نامناسب
0.684	اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم‌انداز	26	
0.649	ضعف تبیین ماهیت و مختصات در سیاست‌های کلی	27	وجود سازوکارهای نامناسب
0.640	جامع و فراگیر نبودن سیاست‌های کلی	28	
0.614	ضعف در پایبندی به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت مردان	29	تبیین ناایده‌گرفتن ارزش‌ها

0.658	وجود فرهنگ گفتاری و رفتاری نامناسب	30
0.570	تاکید نکردن بر التزام عملی دولت مردان و نمایندگان به قانون	31
0.596	ضعف نمایندگان و دولت مردان در اخلاق و منش تجمل پذیری	32

جدول 8. نتایج تحلیل داده‌های دور دوم دلفی فازی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجوز راه‌یابی به دور بعدی دلفی فازی
1	ابعاد حکمرانی خوب	تحقق پذیری پاسخگویی	19	4.4737	دارد
2		مشارکت	19	4.3684	دارد
3		شفافیت	19	4.3158	دارد
4		انصاف یا عدالت	19	4.2632	دارد
5		مشروعیت	19	4.3158	دارد
6		قدرت	19	4.2105	دارد
7		مدیریت ریسک و انعطاف‌پذیری	19	4.2632	دارد
8		ظرفیت دولت	19	4.3158	دارد
9		تعاملات موسسات دولتی	19	4.2632	دارد
10		اثر بخشی	19	4.3158	دارد

جدول 9. فازی زدایی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	فازی زدایی
1	ابعاد حکمرانی خوب	تحقق پذیری پاسخگویی	0.781
2		مشارکت	0.803
3		شفافیت	0.741
4		انصاف یا عدالت	0.759
5		مشروعیت	0.772
6		قدرت	0.711
7		مدیریت ریسک و انعطاف پذیری	0.737
8		ظرفیت دولت	0.719
9		تعاملات موسسات دولتی	0.728
10		اثر بخشی	0.772

جدول 10. نتایج تحلیل داده‌های دور دوم دلفی فازی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجوز راه‌یابی به دور بعدی دلفی فازی
1	ابعاد معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری	وجود ساختار نامناسب	19	4.5263	دارد
2		نظارت نامناسب	19	4.4211	دارد
3		نبود قوانین منسجم	19	4.3684	دارد
4		وجود سازو کارهای سیاسی نامناسب	19	4.3158	دارد
5		نادیده گرفتن ارزش‌ها	19	4.3158	دارد

جدول 11. فازی زدایی

ردیف	گروه ابعاد	ابعاد پیشنهادی	فازی زدایی
1	ابعاد معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری	وجود ساختار نامناسب	0.702
2		نظارت نامناسب	0.719
3		نبود قوانین منسجم	0.711
4		وجود سازو کارهای سیاسی نامناسب	0.728
5		نادیده گرفتن ارزش‌ها	0.772

جدول 12. نتایج تحلیل داده‌های دور دوم دلفی فازی

ردیف	گروه	زیرگروه	مولفه‌های پیشنهادی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجوز راه‌یابی به دور بعدی دلفی فازی
1	موفقه‌های معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه مشورتی	وجود ساختار نامناسب	اثر بخشی و تعامل بین مسئولین قوه مجریه	19	4.473 7	دارد
2			ساختار و فرایندهای حل اختلاف	19	4.368 4	دارد
3			عدم وجود نظام تصمیم‌گیری موازی	19	4.157 9	دارد
4			وجود شفاف‌سازی نامناسب و مرزبندی قوه مجریه	19	4.263 2	دارد
5			عدم وجود ایده نظام پارلمانی بومی مناسب	19	4.315 8	دارد
6			اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی مشاوره و هم‌فکری	19	4.052 19 <sup>6</sup>	دارد 4.2105
7						
8			شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات مشاوره و هم‌فکری رئیس‌جمهور	19 <sup>5</sup>	4.210 19 <sup>5</sup>	دارد 4.3158
9			شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه	19	4.2632	
10			ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس	19	4.3684	
11			وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارا در قوه مجریه	19	4.5263	
12			ضعف در بازنگاری سازوکارهای نظارتی	19	4.3684	
13			ضعف وجود بهینه‌سازی و نظارت بر نمایندگان	19	4.2105	
14		نظارت نامناسب	نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم نبودن نقش ناظران مجلس	19	4.2632	
15			ضعف در نظارت موثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه	19	4.3158	
16			ضعف در بازنگاری و کارآمدسازی فرایند قانون‌گذاری و اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	19	4.1053	

4.2632	19	ضعف در تبیین شفاف و حیطةبندی قوانین	17
4.3158	19	ضعف در تعامل و تفکیک از آیین نامه‌های داخلی	18
4.2632	19	وجود چالش‌های قانون گذاری و اجرای قوانین	19
4.3158	19	تغییر نکردن الزامات مشترک چشم‌انداز و سیاست‌های کلی	20
4.4211	19	نامشخص بودن تکالیف مشترک برای تحقق مطلوب قانون اساسی	21
دارد	4.368 4	19 شفاف نبودن مسئولیت رئیس جمهور برای اجرای قانون اساسی	22
دارد	4.210 5	19 شفاف نبودن، ناکارآ بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین	23
دارد	4.263 2	19 نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین	24
دارد	4.315 8	19 نامناسب بودن سازو کارهای اثر بخشی چشم انداز و سیاست‌های کلی تقنینی در اجرا و نظارت	25
دارد	4.105 3	19 اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم انداز	26
دارد	4.263 2	19 ضعف تبیین ماهیت و مختصات در سیاست‌های کلی	27
دارد	4.368 4	19 جامع و فراگیر نبودن سیاست‌های کلی	28
دارد	4.421 1	19 ضعف در پایبندی به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت مردان	29
دارد	4.368 4	19 وجود فرهنگ گفتاری و رفتاری نامناسب	30

نبود قوانین منشجم

وجود سازو کارهای سیاسی نامناسب

ناپایه گرفتن ارزش‌ها



دارد	4.315 8	19	تاکید نکردن بر التزام عملی دولت مردان و نمایندگان به قانون	31
دارد	4.315 8	19	ضعف نمایندگان و دولت مردان در اخلاق و منش تجمل‌پذیری	32

جدول 13. فازی زدایی

فازی زدایی	مؤلفه‌های پیشنهادی	زیرگروه	گروه	ردیف
0.708	وجود افق‌های چشم‌اندازی تعالی‌انگیز و مسئولیت‌پذیری قوه مجریه	وجود ساختار نامناسب	مواضع‌های معضلات قوه مجریه در برقر	4
0.759	عدم وجود نظام نظارتی برای جلوگیری از اختلاس			5
0.701	عدم وجود نظام نظارتی برای کنترل هزینه‌های			6
0.719	مشاوره و هم‌فکری			7
0.711	شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات رئیس‌جمهور			8
0.728	شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه			9
0.772	ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس			10
0.737	وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارآمد در قوه مجریه			11
0.754	ضعف در بازنگری سازوکارهای نظارتی			12
0.746	ضعف وجود بهینه‌سازی و نظارت بر نمایندگان			13
0.763	نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم نبودن نقش ناظران مجلس	نظارت نامناسب		14
0.825	ضعف در نظارت موثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه			15
0.754	ضعف در بازنگری و کارآمدسازی فرآیند قانون‌گذاری و اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی			16

## بحث

0.794	ضعف در تبیین شفاف و حیطة بندی قوانین		17
0.746	ضعف در تعامل و تفکیک از آیین‌نامه‌های داخلی		18
0.763	وجود چالش‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین		19
0.772	تغییر نکردن الزامات مشترک چشم انداز و سیاست‌های کلی		20
0.702	نامشخص بودن تکالیف مشترک برای تحقق مطلوب قانون اساسی	نبود قوانین منسجمه	21
0.706	شفاف نبودن مسئولیت رئیس‌جمهور برای اجرای قانون اساسی		22
0.711	شفاف نبودن، ناکارا بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین		23
0.728	نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین		24
0.772	نامناسب بودن سازوکارهای اثربخشی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی تقنینی در اجرا و نظارت	وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب	25
0.702	اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم انداز		26
0.759	ضعف تبیین ماهیت و مختصات در سیاست‌های کلی		27
0.719	جامع و فراگیر نبودن سیاست‌های کلی		28
0.728			
	ضعف در پابندی به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت مردان		29
0.772	وجود فرهنگ گفتاری و رفتاری نامناسب	نادیده گرفتن ارزش‌ها	30
0.702	تاکید نکردن بر التزام عملی دولت مردان و نمایندگان به قانون		31
0.737	ضعف نمایندگان و دولت مردان در اخلاق و منش تجمل‌پذیری		32

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری و ارائه الگویی در راستای نیل به حکمرانی خوب انجام شده است. در تحقیق حاضر ابعاد حکمرانی خوب شامل تحقق پذیری پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، انصاف یا عدالت، مشروعیت، قدرت، مدیریت ریسک و انعطاف پذیری، ظرفیت دولت، تعاملات موسسات دولتی و اثر بخشی است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق ( Biswas et al, 2018 )، (Mollick et al, 2018)، (Ezbadofar et al, 2019)، (Ng obo et al, 2012)، (Lockwood, 2010)، (Kisingo et al, 2016)، (Graham et al, 2003) و (yousaf et al, 2015)

همخوانی دارد، امروزه در روند اجتماعی نیازمند به دولت با ویژگی‌های خاص و جامعه‌ای است که بین اعضای آن همراهی و همکاری باشد. الگوی حکمرانی خوب عرصه جدیدی در نوع سیاست‌گذاری، ماهیت دولت و همچنین کنش نیروهای اجتماعی گشوده است که در آن توسعه بر پایه سازماندهی و مدیریت کیفی و کارآمد دولت و شراکت تمام نیروهای اجتماعی استوار است حکمرانی خوب (حکمروایی) شامل نهادهای رسمی و غیررسمی، بخشهای دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است بعلاوه نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق (MirMohammadi, 1999)، (Mirmohammadi et al, 2015) همسو است. هنگامی که در یک جامعه آزادی‌های قانونی و جریان انتشار آزاد اطلاعات که از مصداق‌های بارز حق اظهارنظر و پاسخگویی هستند، وجود نداشته باشد، نمی‌توانند به تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در یک کشور منجر شود و از طرفی وجود نهادهای مدنی از قبیل انجمنهای صنفی و اتحادیه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، وجود احزاب و آزادی آنها، انتخابات آزاد و سالم، قدرت بخشی مردم جامعه را به دنبال داشته و این حق را به آنان نمی‌دهد که بتوانند در انتخاب دولت و کنترل آن به معنای واقعی و نه فقط به صورت فرمایشی، دست داشته باشند. تا بدین گونه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیز نه به صورت یک سویه و از بالا به پایین بلکه مشارکتی و با تعامل دوسویه مردم و دولت انجام و اجرا شود. به همین دلیل زمینه‌ها برای به وجود آمدن معطلات در یک کشور فراهم می‌شود.

به مدیران هیات دولت پیشنهاد می‌شود محیطی ایجاد نمایند که در آن شهروندان به طور آزاد و کارا، امکان برقراری انواع روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تصمیم‌گیری‌های مرتبط را دارند، بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند؛ در چنین شرایطی، هزینه‌های ارتباطی اجتماعی به حداقل می‌رسد که در نتیجه توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی، به بالاترین سرعت و شتاب می‌رسد.

به کارگزاران دولتی توصیه می‌شود سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه می‌بایست توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی نباشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

مسئولین دولت منافع متفاوت گروه‌های گوناگون را با دستیابی به اجماع گسترده فراهم نمایند. در تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه باشد و اجماع‌محوری نیازمند درک درست از دورنمای توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف است.

با تفکر حکمرانی که شکلی از همکاری چند جانبه می‌باشد کارمندان و مدیران به طور ترکیبی و همکارگونه به حل مشکلات اجتماعی بپردازند. بنابراین لازم است مدیران در جهت تقویت توانمندی‌های خود در حوزه مربی‌گری، مدیریت تحول، تفکر خلاق و مهارت تعامل موثر به منظور بهینه‌سازی نتیجه کار تیمی و شبکه‌سازی به طور مستمر تلاش کنند.

نیاز است مدیران دولتی از رابطه تعاملی بین سه نهاد دولت، بازار (بخش خصوصی) و جامعه مدنی استفاده نمایند. دولت در مفهوم جدید با مؤلفه‌هایی مانند دموکراسی، عدالت محوری، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد شناخته می‌شود. هر یک از این مؤلفه‌ها، با تأکید بر ارزش‌های بنیادین، اجرای الگوی حکمرانی خوب را به مثابه راهی مفید و نتیجه بخش برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات و تغییرات اساسی در ساختارها و فرایندهای عملیاتی دولت و تأمین انسجام و اتحاد اجتماعی و پیشبرد سیاست‌های اصلاحی و توسعه مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

به مدیران هیات دولت پیشنهاد می‌شود خلاقیت را در کارکنان تقویت نمایند زیرا امروزه سازمان‌ها با مسائلی از قبیل اداره امور محیط زیست، مدیریت منابع، بحران‌های شهری و مواردی از این قبیل رو به رو بوده‌اند که استفاده از شیوه‌های قدیمی در حکمرانی، پاسخگوی حل این مسائل و بحران‌ها نبوده است. از این رو، نیاز به خلاقیت در شیوه‌های حکمرانی، بیش از پیش احساس شده است. بسیاری از این مسائل، حتی از بعد محلی، جنبه جهانی نیز به خود گرفته‌اند. شیوه‌های سنتی در حکمرانی، دارای شکاف‌های متعددی از قبیل سلسله مراتب، بوروکراسی زیاد، تمرکز در اختیارات و مواردی از این قبیل بوده‌اند که همه این‌ها نیازمند به کارگیری روش‌های رسمی و غیررسمی برای مدیریت اثربخش مرزهای سازمانی است. در این راستا، مدل‌های جدیدی از حکمرانی خوب ارائه شده‌اند که از اهداف، استانداردها، سازماندهی و پیچیدگی‌های متفاوتی برخوردارند. به طور معمول، حکمرانی خوب زمانی پدید می‌آید که مدیران و یا سازمان‌هایی که آن‌ها در آن فعالیت می‌کنند، نمی‌توانند به طور مستقل، به حل مسائل بپردازند.

مدیران در صورت بروز مشکل در زمینه کاری خود باید بتوانند با اتکا به تجربه کاری خود، اقدام به حل مشکلات کنند. تجربه کاری در بخش‌های گوناگون اندوخته ای خواهد بود که به موفقیت مدیران در حل مشکلات کاری کمک میکند. در صورت بروز بحران‌های گوناگون، همه کارمندان و کارکنان به مدیران رجوع میکنند. در صورتی که مدیران در بحران‌ها و سختی‌ها برای حل مسئله تجربه کافی نداشته باشد، نوعی سردرگمی و هرج و مرج حاکم می‌شود.

در راستای بررسی نتایج به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود، به آزمون مدل طراحی شده در بخش‌های دیگر صنایع نیز بپردازند و از آنجا که توجه به اجرای مدل تحقیق حاضر براساس ادعای محقق و به پشتوانه ادبیات موضوع، مزایا و منافع متعددی را برای کشور به ارمغان می‌آورد، پیشنهاد می‌گردد هر یک از متغیرهای مدل به طور جداگانه موضوع رساله قرار گیرد.

همچنین این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است، به این دلیل، نتیجه‌گیری درباره علّیت را دشوار می‌سازد. تعداد زیاد پرسش‌های پرسشنامه‌ها به طولانی‌شدن زمان اجرای آن انجامید که بر مقدار دقت پاسخ‌های شرکت‌کنندگان بی‌تأثیر نبوده است.

### منابع

1. Danaeifard, Hassan, Alvani, Mehdi Basket (2007), "A Critique of the New Rational Logic and Its Effects on Organizational Theories" Quarterly Journal of Teacher of Humanities, Volume 11, Number 3, Fall 86, pp. 107-135. (Persian)
2. Abbasi Lahiji, Bijan, (2009) Fundamentals of Constitutional Rights, Tehran, Jangal Publications. (Persian)
3. Ezbadoftar, Asia and Rajabi Farjad, Hajieh (2019). The effect of good governance on organizational health with respect to the mediating role of political behavior. Government Management Perspectives, (1) 10,169-141. (Persian)
4. Ghazi, Abolfazl, (2004) . Constitutional Law and Political Institutions, Ch 12, Tehran, Mizaneh Publishing. (Persian)
5. Gholipour, Arian (2005), Good Governance and Proper Government Model, Tehran: Center for Strategic Research. (Persian)
6. Hafeznia, Mohammad Reza, Kaviani Rad, Morad (2014), Political Geographical Philosophy, Tehran, Research Institute Publications, Strategic Studies. (Persian)
7. Hosseinzadeh, Hamed, Mohammadzadeh. Ali, (2019), The effect of governance quality on improving social health indicators, Journal of Culture and Health Promotion of the Academy of Medical Sciences, Volume 3, Number 1, 76-98. (Persian)
8. MirMohammadi. Seyed Mohammad, (1999), Comparative study of regulatory systems, Management studies, 63-84. (Persian)
9. Mir mohammadi. Seyed Mohammad, Alwani. Seyed Mehdi Ghorbani. vajholla. zaineli Hamed, (2015), The Model of Relations between the Governing Institution in the System of the Islamic Republic of Iran, Iran Management Research, Volume 19, Number 2, 183-205. (Persian)
10. Mohammadzadeh, Parviz, Motusali, Mahmoud, Beheshti, Mohammad Baqer (2019), A Study of the Impact of Creativity on Economic Development in Iran, Volume 24, Number 78, pp. 61-91. (Persian)
11. Tabatabai Motameni, Manouchehr, (2007), Administrative Law, Ch 13, Tehran, Samat Publications. (Persian)
12. Asaduzzaman1, M. & Virtanen, P. (2016). "Governance Theories and Models" . <https://www.researchgate.net/publication/308911311>.
13. Biswas. Rathin, Jana. Arnab, Arya. Kavi, Ramamritham. Krithi, (2018), A good-governance framework for urban management, Journal of Urban Management,1-12. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2018.12.009>

14. Bateni I, Yazdanshenas M. (2006). A look at the process of developing e-government and its challenges. *Islamic Law Magazine*; 9(36): 59-94
15. Bradley, B. (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management* 8, pp. 225–236.
16. Dadgar, Yadollah, & Nazari, Rouhollah (2012). The impact of economic growth and good governance on misery index in Iranian economy. Springer Science, *Eur J Law Econ*, DOI 10.1007/s10657-012-9327-2
17. Dekker, K & Kempen, R, (2004), "Urban Governance within the Big Cities Policy", *Journal of Cities*, Vol. 21, No. 2.
18. Graham J., Amos B., Plumptre T (2003), Principles for good governance in the 21st century, Policy brief No. 15, Institute on Governance.
19. Ekundayo, W. J. (2017). "Good Governance Theory and the Quest for Good Governance in Nigeria". *International Journal of Humanities and Social Science*, (7)5, 154161.
20. Fazeli M, Jalili M. (2013). Explaining the level of corruption: A comparative study of the effect of governance and good governance. *Quarterly Journal of Social and Cultural Strategy*; 2(5): 7-40. (Persian)
21. Fred. W. Riggs in Giovanni Sartori, *Social Science Concepts: A System Analysis*, Beverly Hill: sage publications, 1984.
22. Olakunle. Osunyikanmi Pius (2019). Good Governance and National Development: Nigeria in Perspective. *World Journal of Social Science Research*, 6 (1).
23. Kisingo. Alex, Rollins. Rick, Murray. Grant, Dearden. Phil, Clarke. Marlea, (2016), Evaluating 'good governance': The development of a quantitative tool in the Greater Serengeti Ecosystem, *Journal of Environmental Management* 181, 749-755
24. Lockwood, M. 2010. Good governance for terrestrial protected areas: a framework, principles and performance outcomes. *Journal of Environmental Management* 91(3):754–766.
25. Mollick, A., & Vianna, A. V. (2018). "Government Size and Openness: Evidence from the Commodity Boom in Latin America". *Resources Policy*, (59), 318-328
26. Ng obo, Paul & Fouda, Maurice (2012). Goodgovernance Good for Business? a Cross-National Analysis of Firms in African Countries. *Journal of World Business*, 47(3), Pp.435-449.
27. Perez-Perez, M, Serrano Bedia, A. M., Concepcion Lopez-Fernandez, M, García Piqueres, G. (2018). "Research opportunities on manufacturing flexibility domain: A review and theory-based research agenda", *Journal of Manufacturing Systems*, 48 (1), 9–20.
28. Taye Demissie Beshi and Ranvinderjit Kaur., (2019). Public Trust in Local Government: Explaining the Role of Good Governance Practices. *Public Organization Review*, pp. 1-14.
29. Wikner, J & Backstrand, J. (2018). "Triadic perspective on customization and supplier interaction in customer-driven manufacturing", *Production & Manufacturing Research*, 6 (1), 3-25.
30. Acemoglu, D., Garcia-Jimeno, C. & Robinson, J. A. (2013). "State Capacity and Development; A Network Approach". NBER, Working Paper, No. 19813

31. Prakash, Saikrishna, The Essential Meaning of Executive Power, University of San Diego, Public Law and Legal Theory Working Paper No. 04, April 2000. available at: <http://ssrn.com/abstract=1476327>
32. Azeez A. (2009). Contesting “good governance” in Nigeria: Legitimacy and accountability perspective. Journal of Social Science; 21(3): 217-224.